

# Investigating the Trend of Provincial Income Inequality and the Effect of Allocating Provincial Budget Funds on it

Mohammad Ghaffari Fard<sup>ID</sup>\*, Gholam Abbas Alamdar<sup>ID</sup>\*\*  
Gholam Reza Afzali<sup>ID</sup>\*\*\*

## Abstract

The phenomenon of regional inequality and its occurrence in recent decades has prompted policymakers and economic planners to define more appropriate responsibilities for governments to reduce inequality. Therefore, calculating inequalities and identifying the factors affecting regional income inequality and adopting effective policies by planners to improve the balance between regions is extremely important. Therefore, in this study, using the fully modified least squares econometric method, the model of provincial income inequality during the period (2005-2008) of the provinces of Iran has been estimated. The results show that in the long run, inequality in the allocation of funds for provincial current expenditures, appropriations for the acquisition of provincial capital assets, and finally the allocation of funds for the entire provincial budget, intensifies inequality in the distribution of income of provinces. Increasing economic prosperity in the country also reduces inequality between regions, Although increasing inflation enhances this inequality. Therefore, in addition to economic prosperity and controlling inflation economic policy makers should reduce the existing inequality in the allocation of budget funds between the provinces in order to reduce the income inequality gap between the provinces of Iran.

**Keywords:** Budget Allocation, Income Inequality, Province, Fully Modified Squares

---

\* Assistant Professor, College of Social and Behavioral Sciences, Ahle Beyt International University, Tehran, Iran

\*\* MA Student of Economic Sciences, Ahle Beyt International University, Tehran, Iran

\*\*\* Corresponding Author: MA Student of Economic Sciences, Ahle Beyt International University, Tehran, Iran

---

This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the

Creative Commons Attribution Non-Commercial (CC-BY-NC) license.





نشریه

«پژوهش‌های راهبردی بودجه و مالیه»

(سال دوم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۰: ۱۰۶ - ۷۹)

شاپا چاپی: ۱۸۰۹ - ۲۷۱۷  
شاپا الکترونیکی: ۱۹۹۸ - ۲۷۱۷

## بررسی روند نابرابری درآمد استانی و اثر تخصیص اعتبارات بودجه استانی بر آن

محمد غفاری فرد<sup>۱</sup>، غلام عباس علمدار<sup>۲</sup>، غلامرضا افضل<sup>۳</sup>\*\*\*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۳۰

### چکیده

پدیده نابرابری منطقه‌ای و بروز آن در دهه‌های اخیر، سیاست‌مداران و برنامه‌ریزان بخش اقتصادی را بر آن داشت، در خصوص کاهش نابرابری مسئولیت‌های مناسب‌تری را برای دولت‌ها تعریف نمایند. براین اساس محاسبه نابرابری‌ها و شناسایی عوامل مؤثر بر نابرابری درآمدی منطقه‌ای و اتخاذ سیاست‌های کارا از سوی برنامه‌ریزان جهت بهبود تعادل و توازن بین مناطق از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. بنابراین در این تحقیق با استفاده از روش اقتصادسنجی حداقل مربعات کاملاً اصلاح‌شده به تخمین مدل نابرابری درآمد استانی طی دوره (۱۳۸۴-۱۳۹۷) استان‌های ایران پرداخته شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد در بلندمدت نابرابری در تخصیص اعتبارات هزینه‌های جاری استانی، اعتبارات تملک‌داری‌های سرمایه‌ای استانی و در نهایت تخصیص اعتبارات کل بودجه استانی، نابرابری توزیع درآمد استان‌ها را تشدید می‌کند. همچنین افزایش رونق اقتصادی در کشور، نابرابری بین مناطق را کاهش می‌دهد هرچند افزایش نرخ تورم این نابرابری را افزایش می‌دهد. بنابراین سیاست‌گذاران اقتصادی جهت کاهش شکاف نابرابری درآمدی میان استان‌های ایران علاوه بر رونق اقتصادی و کنترل نرخ تورم می‌بایست در تخصیص اعتبارات بودجه‌ای میان استان‌ها، میزان نابرابری موجود را کاهش دهند.

**کلیدواژه‌ها:** تخصیص اعتبارات بودجه؛ نابرابری درآمدی؛ استان؛ حداقل مربعات کاملاً اصلاح‌شده.

طبقه‌بندی JEL : O15,E62,C33

\* استادیار، دانشکده علوم اجتماعی و رفتاری، دانشگاه بین‌المللی اهلیت (ع)، تهران، ایران

Mghunivers1390@gmail.com

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم اقتصادی، دانشگاه بین‌المللی اهلیت (ع)، تهران، ایران

Abbas.alamdar23@gmail.com

\*\*\* نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم اقتصادی، دانشگاه بین‌المللی اهلیت (ع)، تهران، ایران

Gholamrezaafzali49966@gmail.com

این مقاله یک مقاله با دسترسی آزاد است که تحت شرایط و ضوابط مجوز (CC BY-NC) Creative Commons Attribution Non-Commercial

Commercial



توزیع شده است.

## مقدمه

در دهه‌های اخیر دانشمندان و برنامه‌ریزان اقتصادی دریافتند که رشد قابل توجه تراکم جمعیت، در شهرها و کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته مشکلات زیادی را خلق کرده که مهم‌ترین آن را می‌توان از نابرابری‌های منطقه‌ای یاد کرد (خالو باقری، ۱۳۹۱: ۴۹). از این رو گسترش نابرابری‌ها، تغییرات عمیقی را در ساختار فضایی مناطق ایجاد می‌دهد. ساختار نابرابری فضایی مناطق، استفاده از فرصت‌های موجود را به نحوی در بین ساکنان شهر مهیا می‌سازد که نحوه توزیع امکانات موجود به شکل نابرابر خدمات بهداشتی، رفاهی، حمل و نقل، شکل‌گیری مراحل رشد مناطق فقیرنشین، و افزایش فقر و تشدید محرومیت از جمله آثار آن است. چنین روندی در یک چرخه بازخوردی، عدم تعادل فضایی را به بار آورده و موجب افزایش شکاف در سطح توسعه‌یافتگی بین مناطق می‌گردد (کلانتری، ۱۳۸۰: ۳۳).

به باور نظریه پردازان اقتصادی، درآمد و اشتغال از جمله عوامل اساسی در کاهش نابرابری منطقه‌ای به شمار می‌رود و این عوامل خود به توسعه منطقه‌ای بستگی دارد. با تحلیل نابرابری منطقه‌ای چنین برداشت می‌شود که برای کاهش نابرابری منطقه‌ای دولت باید در مناطق کمتر توسعه یافته، روی افزایش سطح اشتغال توجه نماید تا با افزایش سطح اشتغال، درآمد و تولید ناخالص داخلی افزایش گردد. بر این اساس کار و سرمایه‌گذاری، تولید ناخالص منطقه‌ای، سطح آموزش از جمله عوامل مؤثر روی نابرابری منطقه‌ای است و لازم است دولت در هنگام توزیع کمک‌های بلاعوض و یارانه‌ها و به خصوص در زمان تخصیص بودجه به این عوامل مهم توجه ویژه‌ای داشته باشد (جمالی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۳).

پژوهشگران بسیاری به بررسی نابرابری‌های درآمد استانی و نابرابری توزیع مجدد پرداخته‌اند. چنانچه که کینز (۱۹۳۶) با انتشار کتاب «نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول» به نقش دولت‌ها در تغییر متغیرهای اقتصادی با اعمال سیاست‌های پولی و مالی تأکید کرد و اندیشمندانی با ارائه نظریات مختلف آثار توزیعی این سیاست‌ها را تبیین کردند از جمله کوزنتس (۱۹۵۵) در تحقیق خود توسعه اقتصادی و نابرابری در توزیع درآمد را در تمام کشورها به ویژه در کشورهای

در حال توسعه به شکل U وارون بیان کرد که در مراحل اولیه توسعه نابرابری میان مناطق زیاد می شود و سپس در بلندمدت این روند کاهش میابد. طی سال های مختلف اعتبارات هزینه ای و عمرانی به مناطق مختلف ایران اختصاص داده شده است.

علیرغم پیشرفت های اقتصادی در دهه های اخیر در کشورها و مناطق مختلف نابرابری منطقه ای و اختلاف درآمدی بین مناطق از دغدغه های دولت ها است که نیازمند بررسی در خصوص عوامل نابرابری در سطح مناطق ایران و نقش بودجه عمومی دولت موضوع این تحقیق است و به این منظور بررسی روند نابرابری درآمد استانی و اثر تخصیص اعتبارات بودجه استانی بر آن، با استفاده از روش اقتصادسنجی حداقل مربعات کاملاً اصلاح شده انجام می شود. سال مطرح است که، تخصیص اعتبارات بودجه استانی طی دوره زمانی مورد نظر تحقیق چه تأثیر بر روند نابرابری درآمدی استان های کشور ایران داشته است؟

ساختار کلی این تحقیق چنین نگاشته شده است، پس از تبیین مقدمه، مبانی نظری موضوع و مروری بر پیشینه تحقیق انجام می شود و پس از روش شناسی تحقیق به یافته ها، تجزیه و تحلیل داده های مربوط به متغیرهای تأثیرگذار بر نابرابری درآمد استانی و در نهایت نتیجه گیری و توصیه های سیاستی پرداخته می شود.

## مبانی نظری و پیشینه تحقیق

نابرابری اقتصادی بین مناطق طی دهه های اخیر در ادبیات اقتصادی و برنامه ریزی منطقه ای مورد توجه قرار گرفته است و در ارتباط با کاهش نابرابری موجود به نقش دولت ها و بودجه عمومی توجه ویژه ای شده است. (جمالی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۳).

توسعه متوازن منطقه ای یکی از مباحث اساسی و قابل بحث در اقتصاد منطقه ای است. منابعی که جهت توسعه مناطق به کار می رود از جمله منابع مالی، منابع انسانی، کیفیت مدیریت، دسترسی به مواد اولیه تولید، ساختار تولید، وضعیت اقلیمی، تراکم جمعیت و غیره... به شکل یکسان نیست. بنابراین مناطق از لحاظ رشد اقتصادی و توسعه متوازن و توزیع برابری درآمد یکسان نیست.

(غفاری فرد، ۱۳۹۷: ۲). یکی از نشانه‌های بارز عدم توسعه یافتگی مناطق از طریق نابرابری در توزیع درآمد آشکار می‌شود. بنابراین جهت ایجاد توسعه‌ای پایدار و میزان تحقق برابری درآمدی بین مناطق مختلف، می‌توان از مقایسه و بررسی معیارهای مختلف؛ اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، سیاسی و زیست‌محیطی استفاده کرد (ایزد خواستی، ۱۳۹۸: ۴۲). همین‌طور فیروز جمالی و همکارانش (۱۳۸۹) به بررسی عوامل مؤثر بر نابرابری منطقه‌ای می‌پردازند که عواملی مثل؛ رشد جمعیت، میزان تولید، اشتغال، میزان آموزش افراد، تخصیص بودجه دولت‌ها بر نابرابری مناطق مؤثر هستند (جمالی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۴). جانسون<sup>۱</sup> (۱۹۷۰) تمرکز زیرساخت‌های اقتصادی از سوی دولت و سرمایه‌گذاری در منطقه‌ای خاص باعث نابرابری میان مناطق کشور شده و در بلندمدت میزان مهاجرت نیروی انسانی از یک منطقه به منطقه‌ای دیگر را تشدید می‌بخشد که بر این اساس منجر به جابجایی نیروی کار از مناطق فقیر به مناطق توسعه یافته‌تر خواهد شد.

از سوی دیگر تدوین سیاست‌های منطقه‌ای برای رشد و توسعه مناطق مختلف از موضوعات مهم است که می‌توان با تدوین سیاست‌های مؤثر و کارا، به توزیع درآمد برابر و رشد متوازن مناطق نائل آمد. بر اساس نظریات تجربی، (السینا و پروتی<sup>۲</sup>، ۱۹۹۶ و تابلینی و پرسون<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴)، نابرابری درآمدی مناطق از چند جهت باعث کاهش منابع تأمین بودجه شده و تأثیر منفی روی فعالیت‌های اقتصادی مناطق دارد. افزایش نابرابری درآمدی سبب رونق فعالیت‌های رانت‌جویانه شده و شرایط تأمین حقوق مالکیت بخش خصوصی را به مخاطره می‌اندازد، باعث پدید آمدن تنش‌های اجتماعی و عدم پایداری سیاسی شده که خود نااطمینانی اقتصادی را به وجود می‌آورد، روند سرمایه‌گذاری و تولید دچار کاهش می‌شود. افزایش نابرابری درآمدی موجب بروز اختلاف در دانش فنی و مهارت‌های نیروی کار شده که نهایتاً میزان بهره‌وری کاهش یافته و در نتیجه رشد اقتصادی کاهش می‌یابد (ایزد خواستی، ۱۳۹۸: ۴۵).

سیمون کوزنتس<sup>۴</sup> (۱۹۵۵-۱۹۶۳) با استفاده از منحنی U وارونه، در رابطه به نابرابری چنین

1. Johnso (1970).
2. Alesina and Petotti.
3. Persson and Tabellini.
4. kuznets

استدلال می‌کند؛ در کشورهای فقیر در مراحل اول توسعه، نحوه‌ی توزیع سرمایه بین توده‌های خاص از افراد متراکم شده و نابرابری درآمدی بین افراد فقیر و ثروتمندان در مناطق افزایش می‌یابد. در کشورهای توسعه یافته که از ثروت نسبتاً بیشتر برخوردار است، اختلاف در توزیع درآمد بین مناطق کم دیده می‌شود. وی بر اساس الگوهای نابرابری درآمدی بین مناطق این گونه اظهار می‌کند که در کشورهای توسعه یافته و در حال گذار، همگام با پیشرفت اقتصادی و رشد اقتصادی، نابرابری بین مناطق در مراحل اول افزایش یافته و در مراحل بعدی توسعه، سیر کاهنده دارد. ویلیامسون<sup>۱</sup> (۱۹۶۵) در ارتباط با نابرابری درآمدی بین مناطق از الگوی U معکوس وارونه کوزنتس پیروی می‌کند، تمرکز سرمایه به مناطق خاص در مرحله اول توسعه و سپس آغاز روند توزیع همگن آن بین افراد و مناطق باعث افزایش نابرابری می‌گردد. ویلیامسون وجود منحنی U معکوس کوزنتس را متأثر از چهار عامل اساسی می‌داند؛ وجود منابع طبیعی؛ وجود منابع طبیعی در مناطق، عنصر اصلی و عامل محرکه توسعه به‌شمار می‌آید و تفاوت آن خود باعث نابرابری درآمدی مناطق می‌شود. مهاجرت نیروی کار: در مراحل اولیه توسعه وجود منابع طبیعی زمینه‌ساز ایجاد اشغال گردیده و از طریق تغییر در سطح قیمت دستمزدها، موجب مهاجرت نیروی کار ماهر از مناطق کم‌تر توسعه یافته به مناطق بیشتر توسعه یافته می‌گردد. تمرکز سرمایه و یا مهاجرت سرمایه: با وجود منابع طبیعی وافر و نیروی کار فنی در این مرحله از توسعه، سرمایه‌ها به سوی مناطق خاص تراکم می‌کند که باعث ایجاد نابرابری می‌شود. اعمال سیاست‌های دولت: دولت‌ها با استفاده از سیاست‌های مالی انبساطی و انقباضی خود در قبال توسعه متوازن مناطق نقش اساسی بازی می‌کند که باعث تغییر در نابرابری درآمدی مناطق می‌گردد (ازوجی، ۱۳۹۰: ۸۸).

با توجه به نظریات مختلف در مورد نابرابری، بحث مهم که مطرح می‌شود این است که در نهایت مراحل توسعه، نابرابری در هر مرحله از توسعه چگونه است. آموس<sup>۲</sup> (۱۹۸۷) از جمله پژوهشگران هست که در این مورد تحقیق کرده است. وی به این نتیجه دست یافت که روند افزایش، ثابت و کاهش نابرابری در مراحل مختلف توسعه در مناطق جریان دارد (همان، ۱۳۹۰:

1. Williamson.  
2. Amos.

۸۹). کیم<sup>۱</sup>، نابرابری‌ها را از دریچه تخصصی شدن فعالیت‌های اقتصادی برای پیشرفت مناطق مثبت تلقی می‌کند (کیم، ۲۰۰۸). از سوی دیگر، استوارد<sup>۲</sup>، عقیده دارد که نابرابری‌ها در صورتی که گسترش دهنده بی‌عدالتی و تبعیض بین مناطق باشد می‌تواند تهدید تلقی شود (استوارد، ۲۰۰۲).

### پیشینه تحقیق

در ارتباط با موضوع نابرابری درآمدی مناطق مطالعات تجربی و نظری گسترده‌ای انجام شده است. تحقیقات مذکور در راستای سیاست‌های منطقه‌ای چه در سطح خرد و یا کلان، هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی با شیوه‌های مختلف به مدل‌سازی پرداخته است که در ادامه به آن‌ها پرداخته شده است.

جدول ۱. پیشینه تحقیق

نویسندگان (سال پژوهش)	اهداف یا سال اصلی	روش تحقیق	مهم‌ترین یافته
رودکرس (۱۹۷۹)	تأثیر توزیع درآمد بر سلامت در سطح ۵۱ کشور فقیر و غنی	با استفاده از شاخص‌های ضریب جینی و امید به زندگی در مراحل مختلف طول عمر برای اندازه‌گیری توزیع درآمد و سلامت	بین توزیع درآمد و سلامت همبستگی کامل وجود دارد.
پالم (۱۹۹۶)	تأثیر اصلاحات نظام مالیاتی را بر توزیع درآمد در کشور سوئد	با استفاده از شاخص ضریب جینی برای اندازه‌گیری توزیع درآمد	که انجام اصلاحات در نظام مالیاتی باعث متعادل‌تر شدن توزیع درآمد می‌گردد.
پروین (۱۳۷۵)	تأثیر مخارج دولت و مالیات را بر توزیع درآمد در ایران	با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی	مخارج دولت و مالیات‌های دریافتی تأثیر چندانی بر توزیع درآمد ندارد.

1. Kim.
2. Steward.

بررسی روند نابرابری درآمد استانی و اثر تخصیص اعتبارات بودجه استانی بر آن

نویسندگان (سال پژوهش)	اهداف یا سال اصلی	روش تحقیق	مهم ترین یافته
چوو گپتا و حمیدی (۲۰۰۰)	تأثیر توزیع درآمد و مالیات را در سطح کشورهای در حال توسعه و در حال گذار	با استفاده از روش های داده های تابلویی	مالیات ها و سیاست های انتقالی دولت های کمتر توسعه یافته تأثیر چندانی بر نابرابری توزیع درآمد ندارد.
کاواچی (۲۰۰۰)	با استفاده از داده های ۵۱ کشور غنی و فقیر ارتباط بین شاخص های سلامت و توزیع درآمد	با استفاده از روش های داده های تابلویی	علاوه بر تولید ناخالص داخلی، روند توزیع درآمد با میزان سلامت جامعه از همبستگی بالایی برخوردار است.
صباغ کرمانی (۱۳۸۰)	نابرابری منطقه ای اشتغال را در استان های ایران در بازه زمانی ۱۳۷۶-۱۳۵۳	با استفاده از روش پنل دیتا	در این تحقیق شاخص های مورد نظر شناسایی و در نتیجه نشان داد که در زمان های مورد نظر نابرابری در سطح استان های صنعتی و غیرصنعتی در حال کاهش است.
سیلوستر (۲۰۰۲)	بررسی تأثیر مخارج آموزشی دولت ها بر نابرابری درآمد	با استفاده از روش های داده های تابلویی	آن عده از کشورهایی که مخارج بیشتری را صرف هزینه های آموزش و پرورش می کنند، در بلندمدت از نابرابری کم تر در توزیع درآمد برخوردار است.
پردانا و داموری (۲۰۰۳)	اثر سیاست های مالی بر فقر و توزیع درآمد را در کشور اندونزی	با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی	سیاست های مالی انبساطی دولت بیشتر به نفع خانواده های شهری این کشور بوده و تأثیر معناداری بر توزیع درآمد دارد.



نویسندگان (سال پژوهش)	اهداف یا سال اصلی	روش تحقیق	مهم‌ترین یافته
برد (۲۰۰۵)	با استفاده از داده‌های کشورهای در حال توسعه به بررسی نقش مالیات محدود بر درآمد اشخاص	با استفاده از روش‌های داده‌های تابلویی	مالیات نقش قابل توجهی بر توزیع درآمد در این کشورها ندارد.
یاسوری (۱۳۸۴)	چگونگی نابرابری درآمدی منطقه‌ای، اثر سیاست‌گذاری منطقه‌ای را از سوی دولت	روش اماری	بر اساس میزان سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در برنامه‌های توسعه کشور و عوامل اقتصادی و اجتماعی نشان می‌دهد که عدم زیرساخت‌ها عامل اصلی نابرابری در استان‌های کشور است.
مهرگان و احمدی (۱۳۸۴)	اثر تعدیل سیاست‌های دولت بر ساختار توزیع درآمد	اقتصادسنجی MLE و یوهانسون	رشد اقتصادی، افزایش در مخارج دولت و افزایش در مالیات‌ها باعث کاهش در میزان نابرابری درآمد می‌گردد و نرخ بیکاری، نرخ تورم و رشد قیمت‌ها باعث افزایش در نابرابری درآمد می‌گردد.
کیم (۲۰۰۶)	ارتباط نابرابری آموزشی و نابرابری درآمدی را با استفاده از داده‌های ترکیبی ۱۰۰ کشور که شامل کشورهای عضو (OECD) و غیر (OECD)	با استفاده از روش‌های داده‌های تابلویی	این تحقیق که در بازه‌ی زمانی سال‌های بین (۱۹۶۰-۲۰۰۰) انجام شد نتایج بیان می‌کند که بین نابرابری درآمد و نابرابری آموزشی رابطه‌ی مثبت وجود دارد و در صورت کاهش امکانات آموزشی میزان نابرابری درآمد کاهش می‌یابد.

بررسی روند نابرابری درآمد استانی و اثر تخصیص اعتبارات بودجه استانی بر آن

نویسندگان (سال پژوهش)	اهداف یا سال اصلی	روش تحقیق	مهم ترین یافته
بونت (۲۰۰۶)	اثرات تمرکززدایی مالی دولت بر نابرابری درآمد در مناطق کلمبیا را در بازه‌ای زمانی دهه‌ای ۱۹۹۰ میلادی	روش حداقل مربعات معمولی	افزایش وابستگی مالی دولت محلی، تمرکززدایی مخارج دولت، خود باعث نابرابری منطقه‌ای در توزیع درآمد می‌گردد.
خوشکار و ابونوری (۱۳۸۶)	تأثیر شاخص‌های عمده کلان اقتصادی بر توزیع نابرابری درآمد در ایران	روش حداقل مربعات معمولی	کاهش (۲۰ درصد آخر) از سهم بیستیک پنجم موجب افزایش در سهم بستک‌های دیگر، خصوصاً بستک اول (۲۰ درصد اول) می‌گردد که باعث افزایش در درآمد سرانه و کاهش در نابرابری توزیع درآمد می‌گردد.
وانگ و چو (۲۰۰۹)	بررسی ارتباط بین نابرابری‌های مخارج بهداشتی، نابرابری‌های درآمدی منطقه‌ای و کسری بودجه‌ای استانی در کشور چین	با استفاده از روش‌های داده‌های تابلویی	در بلندمدت ارتباط معناداری بین مخارج بهداشتی دولت و کسر بودجه دولت و نابرابری منطقه‌ای در سطح استان‌های چین وجود دارد.
کریستیان (۲۰۰۹)	تمرکززدایی مالی را بر نابرابری درآمد در سطح ۲۳ کشورهای عضو OECD	روش اقتصادسنجی پتل دیتا	افزایش در تمرکززدایی مالی دولت‌ها باعث کاهش در سطح نابرابری درآمدی کشورهای عضو می‌گردد.
ازوجی (۱۳۹۰)	سنجش و تحلیل نابرابری‌های منطقه‌ای بازار کار در برنامه چهارم توسعه	با استفاده از شاخص‌های مهم بازار کار مانند؛ نرخ بیکاری و نرخ مشارکت نیروی کار در ۳۰ استان ایران	بر اساس آمارهای رسمی کشور نرخ بیکاری و نرخ مشارکت نیروی کار در پایان برنامه چهارم توسعه به ترتیب ۱۲/۶ و ۱۶/۲ درصد باقی‌مانده است.

نویسندگان (سال پژوهش)	اهداف یا سال اصلی	روش تحقیق	مهم‌ترین یافته
کابوسی (۱۳۹۰)	تأثیر مخارج دولت بر کاهش فقر و کاهش نابرابری در توزیع درآمد در بازه‌ی زمانی ۱۳۸۶-۱۳۶۶ در استان گلستان ایران	روش اقتصادسنجی معمولی	افزایش مخارج عمرانی دولت در مناطق شهری به‌طور نسبی باعث کاهش سطح شاخص‌های فقر می‌شوند.
سونگ (۲۰۱۳)	تأثیر تمرکززدایی مالی برافزایش نابرابری درآمدی را در کشور چین	با استفاده از روش‌های داده‌های تابلویی در بازه‌ای زمانی ۲۰۰۷-۱۹۷۸	تمرکززدایی مالی دولت از سوی مخارج دولت باعث افزایش در نابرابری منطقه‌ای شده و از طرفی دیگر دولت می‌تواند با افزایش سهم مخارج دولتی در بخش‌های آموزش و بهداشت، نابرابری را به شکل قابل‌توجه کاهش دهد.
مهرگان و زمانی شبخانه (۱۳۹۲)	اثر شهرنشینی بر توزیع درآمد در ایران با تأکید بر نظریه کوزنتس با استفاده از داده سال‌های ۱۳۵۱-۱۳۸۹	از روش اقتصادسنجی آزمون $L$ و آرونه کوزنتس	رشد شهرنشینی در کوتاه‌مدت میزان نابرابری را کاهش می‌دهد اما در بلندمدت پس از یک حد معین با افزایش نابرابری در توزیع درآمد می‌گردد.
حق روستا و زبردست (۱۳۹۴)	نابرابری منطقه‌ای را به تحلیل تطبیقی نابرابری‌های منطقه‌ای در دو استان مرکزی و همدان	با استفاده از مدل تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ی	با استفاده از سه شاخص عمده؛ اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی - فرهنگی نتایج چنین نشان داد که نابرابری بین این دو استان خیلی زیاد است.

بررسی روند نابرابری درآمد استانی و اثر تخصیص اعتبارات بودجه استانی بر آن

نویسندگان (سال پژوهش)	اهداف یا سال اصلی	روش تحقیق	مهم ترین یافته
عرب مازار و رحمانی فضلی (۱۳۹۵)	بررسی تخصیص بهینه استانی بودجه با تأکید بر رویکرد مدل برنامه‌ریزی آرمانی		در توزیع بهینه بودجه عمرمی کشور همگرایی نسبی در سطح استان‌ها وجود دارد که جهت دسترسی به آرمان‌های موردنظر در استان‌های بیشتر توسعه یافته هزینه بیشتری موردنیاز است.
یانگ و گریانی (۲۰۱۷)	بررسی ارتباط بین رشد اقتصادی و نابرابری درآمد در مناطق آسیا و اقیانوسیه	با استفاده از روش انگل گرنجر دومرحله‌ای	دادند بین تولید ناخالص داخلی سرانه و نابرابری درآمد در کشورهای چین، ژاپن، کره جنوبی، امریکا یک رابطه درجه سوم S وجود دارد.
غفاری فرد (۱۳۹۷)	بررسی روند سیاست‌گذاری توسعه و توازن منطقه‌ای طی برنامه‌های توسعه در ایران و ارائه راهبردهای اساسی	با استفاده از شاخص ویلیامسون	نابرابری استانی در دولت اصلاحات طی برنامه سوم دیده نشده و این نابرابری‌ها در شروع دولت دهم طی برنامه توسعه چهارم کاهش یافته است و همین‌طور این روند در دولت اعتدال‌گرا ادامه دارد.
ایزد خواستی (۱۳۹۸)	بررسی نابرابری در تخصیص اعتبارات بودجه استانی و تأثیر آن بر نابرابری درآمدهای منطقه‌ای در ایران	با استفاده از شاخص ویلیامسون و روش اقتصاد سنجی (GMM) گشتاورهای تعمیم یافته	افزایش در نابرابری سرانه تملک دارایی سرمایه‌ای استان‌ها موجب کاهش در نابرابری درآمد سرانه استانی می‌گردد.

نویسندگان (سال پژوهش)	اهداف یا سال اصلی	روش تحقیق	مهم‌ترین یافته
بیار و آیتیمیز <sup>۱</sup> (۲۰۱۹)	در کشورهای آمریکای لاتین با استفاده از داده‌های زمانی ۲۰۰۲ الی ۲۰۱۴ به منظور بررسی نابرابری و فساد	با استفاده از آزمون علیت	شاخص‌های بدبختی و فساد در افزایش نابرابری‌های درآمدی نقش دارد. آزمون علیت نشان می‌دهد که بین شاخص بدبختی و نابرابری درآمدی علیت یک‌طرفه و بین فساد و نابرابری درآمدی علیت دوطرفه برقرار است.
غفاری فرد و شجاعی (۱۳۹۹)	بررسی آثار اقتصادی نحوه تخصیص بودجه به استان‌های مرزی کشور ایران بر اساس نیاز و ظرفیت آن‌ها	با استفاده از روش مدل داده‌های تابلویی	متغیر نحوه تخصیص بودجه بین استان‌ها اثر منفی و معنادار بر تولید ناخالص داخلی استان‌های مرزی دارد.
غفاری فرد و ملکی (۱۴۰۰)	بررسی آثار توزیعی اعتبارات ناشی از درآمد حاصل از صادرات نفت در استان‌های مختلف ایران	براساس روش داده‌های تابلویی	تخصیص درآمد سه درصدی نفت بر ضریب جینی استان‌های ایران تأثیر معناداری دارد. تخصیص و دادن اختیار هزینه اعتبارات درآمد سه درصدی نفت توسط شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان‌های کشور ایران موجب کاهش نابرابری و توزیع متوازن درآمد در جامعه می‌شود.

با توجه به مرور بر مطالعات انجام‌شده، مشخص می‌شود که تحقیقی با موضوع ارتباط بلندمدت بین نابرابری درآمدی و تخصیص منابع بودجه با استفاده از روش حداقل مربعات کاملاً اصلاح‌شده

1. Bayar & Aytemiz

بین مناطق مختلف ایران انجام نشده است که با به روزرسانی دوره زمانی داده‌ها این رابطه طی دوره زمانی ۱۳۸۴ الی ۱۳۹۷ مورد آزمون قرار گرفته است که جز نوآوری این تحقیق است.

## روش‌شناسی تحقیق

با توجه به این که نوع این تحقیق کاربردی و هدف این پژوهش بررسی تأثیر نابرابری تخصیص اعتبارات بودجه بر نابرابری درآمد سرانه استانی مناطق ایران است و برای این که بتوانیم شناسایی بررسی تأثیر نابرابری تخصیص اعتبارات را بر نابرابری درآمد سرانه استان‌ها را به درستی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم، در قدم نخست اطلاعات لازم در خصوص مبانی تئوریک، پیشینه مطالعات و مطالعات تجربی از روش کتابخانه‌ای با بهره‌گیری از کتاب‌ها، مقالات علمی به کار گرفته شده است. اطلاعات و آمار استفاده شده در این پژوهش طی سال‌های ۱۳۹۷-۱۳۸۴، از آمار رسمی منتشر شده بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مرکز آمار وزارت امور اقتصاد و دارایی این کشور جمع‌آوری گردیده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش اقتصادسنجی داده‌های سری زمانی (حداقل مربعات کاملاً اصلاح شده، FMOLS) در نرم‌افزار Eviews10 استفاده شده است. برای برآورد مدل، ابتدا جهت تعیین یکپارچگی سری‌های زمانی، از آزمون ریشه واحد داده‌های سری زمانی استفاده شده و با استفاده از تحلیل‌های هم‌جمعی وجود روابط بلندمدت اقتصادی آزمون و برآورد صورت گرفته است.

### ۱- تصریح مدل تحقیق

برای اندازه‌گیری تفاوت‌های منطقه‌ای از شاخص ویلیامسون (۱۹۶۵) در تحقیق حاضر استفاده می‌شود. وی با پیروی از نظریه کوزنتس «u معکوس» اعتقاد داشت که روند تراکم سرمایه به مناطق توسعه یافته در مراحل ابتدایی از توسعه توزیع می‌گردد و سپس در مراحل بعدی به مناطق کم‌تر توسعه یافته انتقال می‌یابد که به این صورت نابرابری منطقه‌ای تعدیل می‌شود. برای محاسبه این شاخص از فرمول ذیل استفاده می‌گردد.

$$V_w = \frac{\sqrt{\sum_i^m (y_i - \bar{y})^2 * \frac{F_i}{N}}}{\bar{y}}$$

رابطه شماره ۱

$$V_W = \frac{\sqrt{\sum_i^m (b_i - \bar{b})^2 \frac{F_i}{N}}}{\bar{b}} \quad \text{رابطه شماره ۲}$$

که در این فرمول  $V_W$  ضریب نابرابری تفاوت منطقه‌ی ویلیامسون،  $y_i$  درآمد سرانه هر استان،  $F_i$  جمعیت استان در سال مورد نظر،  $N$  هم نشان‌دهنده جمعیت کشور است،  $M$  تعداد استان‌ها را بیان می‌کند و  $\bar{y}$  میانگرمیانگین درآمد سرانه کشور در این فرمول است.  $b_i$  و  $\bar{b}$  به ترتیب میزان تخصیص بودجه استان  $i$ ام و سرانه بودجه استان  $i$ ام است. هر قدر ضریب تغییرات شاخص ویلیامسون بیشتر باشد، میزان نابرابری سرانه درآمدی و تخصیص اعتبارات بودجه در مناطق (استان‌ها) نامتعادل‌تر است و برعکس این ضریب هر قدر به سمت صفر تقرب کند روند توزیع در مناطق از همگنی بیشتر برخوردار است.

در ادامه این تحقیق به تصریح مدل اقتصادسنجی برگرفته از یانگ و گریان (۲۰۱۷) به‌قرار ذیل می‌پردازیم.

$$ineqicom_t = \alpha_i + \beta_1 ineqcucr_t + \beta_2 gdpp_t + \beta_3 inf_t + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل ۱}$$

$$ineqicom_t = \alpha_i + \beta_1 ineqcaas_t + \beta_2 gdpp_t + \beta_3 inf_t + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل ۲}$$

$$ineqicom_t = \alpha_i + \beta_1 ineqgep_t + \beta_2 gdpp_t + \beta_3 inf_t + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل ۳}$$

در مدل شماره (۱)  $ineqicom_t$  نشان‌دهنده نابرابری درآمد سرانه استان در دوره زمانی  $t$ ام.  $ineqcucr_t$  نابرابری تخصیص اعتبارات هزینه‌های جاری استانی، در مدل شماره (۲)  $ineqcaas_t$  نابرابری تخصیص اعتبارات تملک‌دارایی‌های سرمایه‌ای استانی و در مدل شماره (۳)  $ineqgep_t$  تخصیص اعتبارات کل استانی،  $gdpp_t$  سرانه تولید ناخالص داخلی و  $inf_t$  نرخ تورم طی دوره زمانی  $t$  به‌عنوان ضرایب متغیرهای مستقل و  $\alpha_i$  اثرات ثابت یا عرض از مبدأ در استان  $i$ ام در مدل مورد استفاده قرار گرفته است و  $\varepsilon_{it}$  شامل اجزای اختلال مدل است.

جدول ۲. تعریف متغیرها و نحوه محاسبه متغیرها (منبع: محاسبات تحقیق)

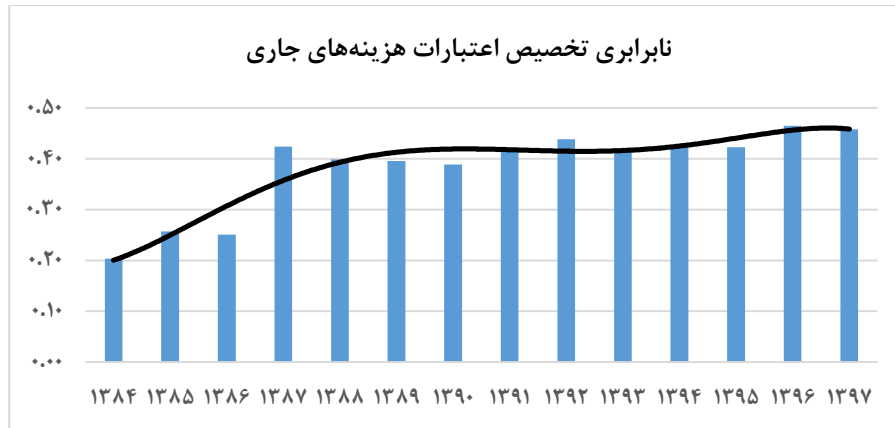
شماره	متغیر	نماد	نحوه محاسبه تغییر
۱	نابرابری درآمد سرانه استان	$ineqicom_t$	با استفاده از شاخص ویلیامسون
۲	نابرابری تخصیص اعتبارات هزینه‌های جاری استان	$ineqcucr_t$	با استفاده از شاخص ویلیامسون
۳	نابرابری تخصیص اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای استان	$ineqcaas_t$	با استفاده از شاخص ویلیامسون
۴	تخصیص اعتبارات کل استانی	$ineqgep_t$	با استفاده از شاخص ویلیامسون
۵	سرانه تولید ناخالص داخلی استان	$gdpp_t$	تولید ناخالص داخلی بر جمعیت
۶	نرخ تورم استان	$inf_t$	تفاوت قیمت‌ها

## یافته‌های تحقیق

### ۱- نابرابری تخصیص اعتبارات (هزینه‌های جاری و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای) و نابرابری درآمد سرانه

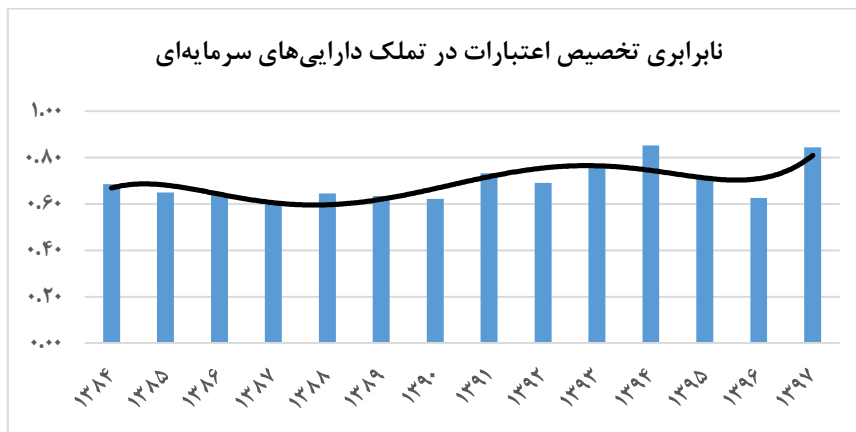
عملکرد تخصیص اعتبارات بودجه دولت جمهوری اسلامی ایران و تأثیر آن بر نابرابری درآمد سرانه استان‌ها را در دولت نهم و دهم طی دو دور چهارساله (۱۳۸۴-۱۳۸۸ و ۱۳۹۲-۱۳۸۸)، دولت یازدهم طی یک دوره (۱۳۹۶-۱۳۹۲) مورد بررسی قرار می‌گیرد.





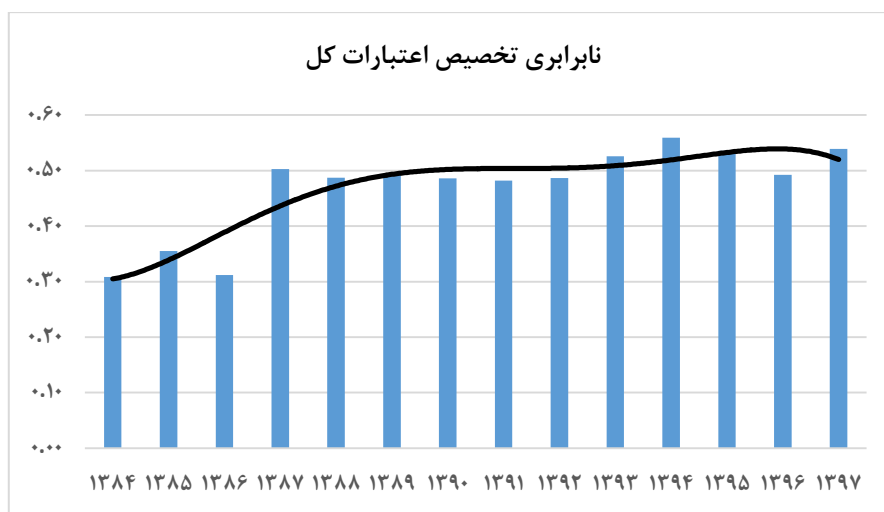
نمودار ۱. نابرابری تخصیص اعتبارات (هزینه‌های جاری استان‌ها) (منبع: محاسبات تحقیق)

بر اساس نمودار شماره (۱)، نابرابری تخصیص اعتبارات بودجه بخش هزینه‌های جاری استانی طی دوره اول دولت نهم در شروع پایین بوده ولی طی سال‌های بعد به شدت افزایش یافته که در نتیجه روند افزایشی داشته است، به نحوی که از ۰/۲ در سال ۱۳۸۴ به ۰/۴ در سال ۱۳۸۸ افزایش یافته است. در دور دوم دولت و طی دوره دولت یازدهم این نابرابری با نوسانات کمی، روند افزایشی داشته است.



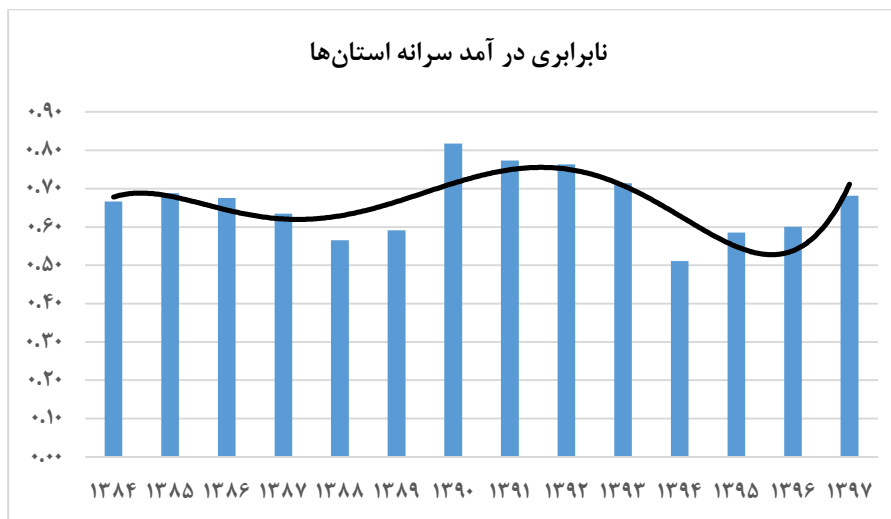
نمودار ۲. نابرابری تخصیص اعتبارات (تملك دارایی‌های سرمایه‌ای) (منبع: محاسبات تحقیق)

بر اساس نمودار شماره (۲)، در دولت نهم نابرابری تخصیص اعتبارات بخش تملک دارایی‌های سرمایه‌ای استانی روند کاهشی را داشته و در دور دوم دولت این نابرابری از روند کاهشی به سمت افزایشی تغییر جهت داده، که این افزایش تا نیمه اول دولت یازدهم ۱۳۹۴، به میزان ۰/۸۵ ادامه یافته است و در نیمه دوم دولت یازدهم دوباره با تغییرات چشمگیر روند کاهشی را به خود اختیار نموده و تا میزان ۰/۶ کاهش پیدا نموده است.



نمودار ۳. تخصیص اعتبارات کل (استان‌ها) (منبع: محاسبات تحقیق)

بر اساس نمودار شماره (۳)، و با توجه به این که نابرابری تخصیص اعتبارات کل استانی متأثر از نابرابری تخصیص اعتبارات هزینه‌ای و اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای است، این نابرابری در دولت نهم با نوسانات بیشتر از ۰/۳ تا ۰/۵ افزایش یافته و در دور دوم تا حدی از ثبات ممکن برخوردار بوده و در شروع دولت یازدهم روند افزایشی و در سال‌های آخر دولت یازدهم نابرابری مذکور سیر کاهشی را اختیار می‌نماید.



نمودار ۴. نابرابری در آمد سرانه استان‌ها (منبع: محاسبات تحقیق)

تمام فعالیت‌های اقتصادی در مناطق که متأثر از عوامل مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است در تولید ناخالص داخلی خود را نشان می‌دهد. جهت بررسی نابرابری در آمد سرانه میان مناطق با استفاده از شاخص ویلیامسون، نابرابری میان مناطق در نمودار (۴) طی دولت‌های مختلف نشان داده شده است. در دولت نهم نابرابری در آمد سرانه در سطح استان‌ها رو به کاهش بوده و در اوایل دولت دهم روند نابرابری در آمدها آغاز شد که در دولت دهم نابرابری در آمد سرانه استان‌ها افزایش یافته است. با شروع دولت یازدهم روند نابرابری در آمدها بین مناطق کاهش پیدا کرد هرچند با آغاز دولت دوازدهم شاخص مزبور روند افزایشی به خود گرفت.

## ۲- آزمون ریشه واحد داده‌های سری زمانی

به منظور جلوگیری از رخ دادن رگرسیون کاذب در تخمین مدل پژوهش، در ابتدا مانایی داده‌های سری زمانی متغیرهای مدل، مورد آزمون قرار می‌گیرد. بدین لحاظ از آزمون دیکی فولر برای تشخیص مانایی تغییرها استفاده گردیده است.

جدول ۳. آزمون مانایی دیکی فولر (منبع: یافته‌های تحقیق)

تفاضل مرتبه اول		سطح		متغیر
Prob	Statistic	Prob	Statistic	
۰/۰۰۲۲	-۵/۰۷۰۱	۰/۱۷۴۳	-۲/۳۴۲۶	INEQGEP
۰/۰۰۴۷	-۴/۵۹۳۷	۰/۰۷۶۳	-۲/۸۶۶۵	INEQCUCR
۰/۰۰۷۱	-۴/۴۲۲۹	۰/۲۸۷۶	-۱/۹۸۷۹	INEQCAAS
۰/۰۴۱۳	-۳/۲۶۲۳	۰/۲۱۲۶	-۲/۲۰۷۳	INEQINCOM
۰/۰۰۷۲	-۴/۶۶۸۴	۰/۹۰۹۵	-۰/۲۴۴۷	GDPP
۰/۰۲۴۱	-۲/۳۴۰۷	۰/۰۳۲۴	-۳/۴۰۹۸	INF

با توجه به نتایج به دست آمده در این آزمون، متغیرهای مدل به جز متغیر تورم نا مانا هستند و با یک بار تفاضل‌گیری مانا می‌شوند. در مجموع، متغیرهای تحت بررسی مدل، هم جمع از درجه صفر و یک می‌باشند و به همین لحاظ، انجام آزمون هم‌انباشتگی لازم است.

### ۳- آزمون هم‌انباشتگی

اگر متغیرهای مانند  $x_t$ ،  $y_t$  میزان انباشتگی آن‌ها درجه یک باشند در این صورت معمولاً  $u_t$  نیز از درجه انباشتگی درجه یک برخوردار خواهد بود، اما لزوماً این طور نیست، ممکن است  $u_t$  مانا باشد. طوری که قبلاً گفته شد مانا بودن  $u_t$  نشان‌دهنده این است که معادله تخمین شده یک رابطه تعادلی بین  $x_t$  و  $y_t$  را تعریف می‌کند. لذا برای آزمون هم‌انباشتگی در قدم اول مدل را برآورد و در قدم دوم پسماندها را محاسبه نموده و برای پسماندها آزمون ریشه واحد را می‌توان انجام داد. در این صورت اگر  $e_t$  ریشه واحد نداشته باشد، بیانگر این است که داده‌ها مانا بوده و دلالت بر وجود رابطه هم‌انباشتگی بین  $y_t$  و  $x_t$  می‌کند (سوری، ۱۳۹۲: ۷۵۰). نتایج آزمون ریشه واحد پسماندهای متغیر موردنظر به آزمون انگل گرنجر معروف است که در جدول شماره (۲) گزارش شده است.

جدول ۴. آزمون هم‌انباشتگی (منبع: یافته‌های تحقیق)

آماره	ضریب	آزمون
۰/۰۰۰۸	-۴/۰۸۵۱	انگل گرنجر

با توجه به نتایج آزمون انگل گرنجر، وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای به کار گرفته شده در مدل، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

#### ۴- برآورد مدل‌های پژوهش

پس از بررسی آزمون‌های ریشه واحد و هم‌انباشتگی، معادله شماره (۱) تحقیق با استفاده از داده‌های سری زمانی طی دوره‌ای (۱۳۹۷-۱۳۸۴) در سطح سی‌ویک استان (۳۱) مورد تخمین قرار می‌گیرد که حاصل برآورد آن در جدول (۶) نشان داده می‌شود.

نتایج الگوی معرفی شده به منظور بررسی رابطه بلندمدت تخصیص نابرابری اعتبارات بر نابرابری درآمد سرانه استان‌های ایران و سایر متغیرها تحت بررسی، با به کارگیری از روش اقتصادسنجی (حداقل مربعات کاملاً اصلاح شده) در سه مدل برآورد شده است.

جدول ۵. برآورد مدل (۱) (منبع: یافته‌های تحقیق)

متغیر وابسته: (LINEQINCOM)				متغیرها
احتمال	آماره t	انحراف معیار	ضریب	
۰/۰۹	۱/۸۴۳۲	۰/۱۱۳۳	۰/۲۰۸۹	LINEQCUCR
۰/۰۰	-۴/۰۹۹۸	۰/۳۰۲	-۰/۱۲۴۱	LGDPP
۰/۰۵	۲/۱۲۳۰	۰/۰۵۹۳	۰/۱۲۵۹	LINF

با توجه به جدول (۶)، نتایج مدل اول که در آن تأثیر تخصیص اعتبارات هزینه‌های جاری بر نابرابری درآمد سرانه استان‌ها برآورد شده است و رابطه بلندمدت بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته را تأیید می‌کند.

- نابرابری تخصیص اعتبارات هزینه‌های جاری تأثیر مثبت و معنی‌داری بر نابرابری توزیع

درآمد سرانه استان‌ها در بلندمدت دارد به‌نحوی که با یک درصد تغییر (افزایش / کاهش) در متغیر تخصیص اعتبارات هزینه‌های جاری به‌طور متوسط نابرابری درآمد سرانه استان‌ها ۰/۲۰ درصد تغییر (افزایش / کاهش) می‌یابد.

- سرانه تولید ناخالص داخلی تأثیر منفی و معنی‌داری بر نابرابری درآمد سرانه استان‌ها در بلندمدت دارد به‌نحوی که با یک درصد تغییر (افزایش / کاهش) در متغیر سرانه تولید ناخالص داخلی به‌طور متوسط نابرابری درآمد سرانه استان‌ها ۰/۱۲ درصد تغییر (کاهش / افزایش) می‌یابد.

- تورم تأثیر مثبت و معنی‌داری بر نابرابری درآمد سرانه استان‌ها در بلندمدت دارد به‌نحوی که با یک درصد تغییر (افزایش / کاهش) در متغیر سرانه تولید ناخالص داخلی به‌طور متوسط نابرابری درآمد سرانه استان‌ها ۰/۱۲ درصد تغییر (افزایش / کاهش) می‌یابد.

جدول ۶. مدل (۲) تحقیق (منبع: یافته‌های تحقیق)

متغیر وابسته: (LINEQINCOM)				متغیرها
احتمال	آماره t	انحراف معیار	ضریب	
۰/۰۳	۲/۴۹۸۱	۰/۲۴۳۷	۰/۶۰۸۹	LINEQCAAS
۰/۰۰	-۳/۶۴۴۷	۰/۰۳۳۳	-۰/۱۲۱۴	LGDPP
۰/۰۷	۲/۰۰۲۴	۰/۰۶۲۸	۰/۱۲۵۹	LINF

با توجه به جدول (۷)، نتایج مدل دوم که در آن تأثیر تخصیص اعتبارات تملک‌دارایی‌های سرمایه‌ای بر نابرابری درآمد سرانه استان‌ها برآورد شده است و رابطه بلندمدت بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته را تأیید می‌کند.

- نابرابری تخصیص اعتبارات تملک‌دارایی‌های سرمایه‌ای تأثیر مثبت و معنی‌داری بر نابرابری توزیع درآمد سرانه استان‌ها در بلندمدت دارد به‌نحوی که با یک درصد تغییر (افزایش / کاهش) در متغیر تخصیص اعتبارات تملک‌دارایی‌های سرمایه‌ای به‌طور متوسط

- نابرابری درآمد سرانه استان‌ها ۰/۶۰ درصد تغییر (افزایش / کاهش) می‌یابد.
- سرانه تولید ناخالص داخلی تأثیر منفی و معنی‌داری بر نابرابری درآمد سرانه استان‌ها در بلندمدت دارد به‌نحوی که با یک درصد تغییر (افزایش / کاهش) در متغیر سرانه تولید ناخالص داخلی به‌طور متوسط نابرابری درآمد سرانه استان‌ها ۰/۱۲ درصد تغییر (کاهش / افزایش) می‌یابد.
- تورم تأثیر مثبت و معنی‌داری بر نابرابری درآمد سرانه استان‌ها در بلندمدت دارد به‌نحوی که با یک درصد تغییر (افزایش / کاهش) در متغیر سرانه تولید ناخالص داخلی به‌طور متوسط نابرابری درآمد سرانه استان‌ها ۰/۱۲ درصد تغییر (افزایش / کاهش) می‌یابد.

جدول ۳: مدل (۳) تحقیق (منبع: یافته‌های تحقیق)

متغیر وابسته: (LINEQINCOM)				متغیرها
احتمال	آماره t	انحراف معیار	ضریب	
۰/۰۴	۲/۲۶۵۳	۰/۱۴۵۹	۰/۳۳۰۶	LINEQGEP
۰/۰۰	-۴/۰۹۰۰	۰/۰۳۰۲	-۰/۱۲۳۸	LGDPP
۰/۰۴	۲/۳۰۲۹	۰/۰۶۱۹	۰/۱۴۲۷	LINF

با توجه به جدول (۸)، نتایج مدل سوم که در آن تأثیر تخصیص اعتبارات کل بر نابرابری درآمد سرانه استان‌ها برآورد شده است و رابطه بلندمدت بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته را تأیید می‌کند.

- نابرابری تخصیص اعتبارات کل تأثیر مثبت و معنی‌داری بر نابرابری توزیع درآمد سرانه استان‌ها در بلندمدت دارد به‌نحوی که با یک درصد تغییر (افزایش / کاهش) در متغیر تخصیص اعتبارات کل به‌طور متوسط نابرابری درآمد سرانه استان‌ها ۰/۳۳ درصد تغییر (افزایش / کاهش) می‌یابد.
- سرانه تولید ناخالص داخلی تأثیر منفی و معنی‌داری بر نابرابری درآمد سرانه استان‌ها در

بلندمدت دارد به نحوی که با یک درصد تغییر (افزایش / کاهش) در متغیر سرانه تولید ناخالص داخلی به طور متوسط نابرابری درآمد سرانه استان‌ها ۰/۱۲ درصد تغییر (کاهش / افزایش) می‌یابد.

- تورم تأثیر مثبت و معنی‌داری بر نابرابری درآمد سرانه استان‌ها در بلندمدت دارد به نحوی که با یک درصد تغییر (افزایش / کاهش) در متغیر سرانه تولید ناخالص داخلی به طور متوسط نابرابری درآمد سرانه استان‌ها ۰/۱۴ درصد تغییر (افزایش / کاهش) می‌یابد. با تکیه به نتایج مدل‌ها متغیر نابرابری تخصیص اعتبارات هزینه‌های جاری بر نابرابری درآمد سرانه استان‌ها در بلندمدت تأثیر مثبت دارد، چون زمانی که در تخصیص این نوع اعتبارات توسط دولت در بخش هزینه‌های جاری به طور مثال (حقوق کارمندان) نابرابری صورت گیرد، این افزایش نابرابری تأثیر مستقیم بر عملکرد اقتصادی استان و افزایش نابرابری درآمد سرانه استان‌ها دارد. همین‌طور تخصیص نابرابر اعتبارات تملک‌دارایی‌های سرمایه‌ای باعث تشدید نابرابری درآمد سرانه استان‌ها می‌شود، زیرا افزایش نابرابری در تخصیص این نوع اعتبارات در سطح استان‌ها (سرمایه‌گذاری‌های عمرانی) صورت بگیرد باعث افزایش نابرابری تولید ناخالص داخلی استان و نابرابری درآمد سرانه استان‌ها می‌شود. همچنین نابرابری تخصیص اعتبارات کل که مجموع از نابرابری تخصیص اعتبارات هزینه‌های جاری و تملک‌دارایی‌های سرمایه‌ای است باعث افزایش نابرابری درآمد سرانه استان‌ها می‌شود. بر اساس نتایج مدل سرانه تولید ناخالص داخلی تأثیر منفی بر نابرابری درآمد سرانه استان‌ها دارد، به دلیل این‌که هر قدر وسعت اقتصاد (کیک اقتصادی) بزرگ شود این بزرگی بر کاهش نابرابری درآمد سرانه تأثیر دارد. افزایش تورم از زاویه کاهش قدرت خرید میزان نابرابری را تحت تأثیر قرار می‌دهد، هر قدر تورم افزایش پیدا کند تأثیر مستقیم بر کاهش قدرت خرید داشته که در نهایت نابرابری درآمد سرانه بین استان‌ها را تشدید می‌کند.



## بحث و نتیجه‌گیری

پدیده نابرابری درآمد منطقه‌ای در دهه‌های اخیر مورد توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی قرار گرفته است و دولت‌ها برای تعدیل این نابرابری‌ها بین مناطق راه‌حل‌های مناسب را جهت بهبود آن جستجو می‌نمایند. اعمال سیاست‌های نادرست توسط دولت‌ها ممکن است منجر به افزایش نابرابری در توزیع درآمد گردد و به روند رشد اقتصادی صدمه وارد نماید. از سوی دیگر اتخاذ سیاست‌های کلان اقتصادی به‌منظور ایجاد تعادل در توزیع برابر درآمد بین مناطق از جمله اهداف مهم دولت‌ها پنداشته می‌شود. هدف این پژوهش بررسی تأثیر نابرابری تخصیص اعتبارات بودجه بین استان‌ها بر نابرابری درآمد سرانه استانی در مناطق ایران بوده است. با استفاده از داده‌های سری زمانی (۱۳۹۷-۱۳۸۴) و با بهره‌گیری از روش اقتصادسنجی حداقل مربعات کاملاً اصلاح شده (FMOLS) مدل‌ها برآورد شده است.

در این پژوهش تأثیرات نابرابری اعتبارات هزینه‌های جاری، اعتبارات تملک‌داری‌های سرمایه‌ای و کل اعتبارات بودجه استانی بر نابرابری درآمد سرانه استانی ارزیابی شده است. بر این اساس، نتایج حاصله حاکی از آن است که نابرابری تخصیص اعتبارات هزینه‌های جاری میان استان‌ها تأثیر مثبت و معنی‌داری بر نابرابری توزیع درآمد سرانه استان‌ها در بلندمدت دارد به نحوی که با یک درصد تغییر (افزایش / کاهش) در متغیر تخصیص اعتبارات هزینه‌ای به‌طور متوسط نابرابری درآمد سرانه استان‌ها ۰/۲۰ درصد تغییر (افزایش / کاهش) می‌یابد. همین‌طور نابرابری تخصیص اعتبارات تملک‌داری‌های سرمایه‌ای بین استان‌ها تأثیر مثبت و معنی‌داری بر نابرابری توزیع درآمد سرانه استان‌ها در بلندمدت دارد به نحوی که با یک درصد تغییر (افزایش / کاهش) در متغیر تخصیص اعتبارات تملک‌داری‌های سرمایه‌ای به‌طور متوسط نابرابری درآمد سرانه استان‌ها ۰/۶۰ درصد تغییر (افزایش / کاهش) می‌یابد. در نهایت نابرابری تخصیص اعتبارات کل بودجه بین استان‌ها تأثیر مثبت و معنی‌داری بر نابرابری توزیع درآمد سرانه استان‌ها در بلندمدت دارد به نحوی که با یک درصد تغییر (افزایش / کاهش) در متغیر تخصیص اعتبارات کل به‌طور متوسط نابرابری درآمد سرانه استان‌ها ۰/۳۳ درصد تغییر (افزایش / کاهش) می‌یابد. متغیر

مستقل سرانه تولید ناخالص داخلی در بلندمدت تأثیر منفی بر نابرابری درآمد سرانه استان‌ها دارد، زیرا هرچه قدر کیک اقتصادی بزرگ شود نابرابری در سطح استان‌ها کاهش می‌یابد. تورم در بلندمدت با نابرابری درآمد سرانه استان‌ها رابطه منفی دارد، چون تورم از زاویه کاهش قدرت خرید نابرابری را افزایش می‌دهد. نتایج این تحقیق در خصوص اثر نابرابری تخصیص هزینه‌ای بر نابرابری درآمدی با یافته‌های رحمانی و عرب مازار (۱۳۹۵)، ایزد خواستی (۱۳۹۸) سازگار است اما نتایج اثر نابرابری تخصیص اعتبارات تملک دارایی سرمایه‌ای استانی بر نابرابری درآمدی با یافته‌های رحمانی و عرب مازار سازگار است.

با توجه به اثر نابرابری در تخصیص اعتبارات جاری، عمرانی و کل میان مناطق بر نابرابری درآمدی میان استان‌ها توصیه‌های سیاستی زیر بیان می‌شود:

- با توجه به یافته‌های تحقیق، با افزایش نابرابری تخصیص اعتبارات هزینه‌های جاری، نابرابری در استان افزایش می‌یابد، پیشنهاد می‌گردد برنامه‌ریزان در خصوص کاهش نابرابری تخصیص اعتبارات هزینه‌های جاری در سطح مناطق توجه بیشتر نمایند.
- از آنجایی که نابرابری در تخصیص اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای بیشترین تأثیر را بر نابرابری توزیع درآمد سرانه استان‌ها دارد، بر این اساس پیشنهاد می‌گردد استفاده از مدل‌های علمی و نوین مبنای توزیع اعتبارات تملک دارایی سرمایه‌ای بین استان‌ها قرار گیرد.
- به کارگیری روش‌های علمی نوین در توزیع عادلانه منابع قانون استفاده متوازن از امکانات کشور بین استان‌های کشور جهت تخصیص عادلانه این منابع عظیم بودجه‌ای (سه درصد از منابع بودجه عمومی کشور)
- توزیع عادلانه و علمی سه درصد از منابع درآمدی حاصل از صادرات نفت و گاز کشور بین استان‌ها (جدول ۱۰-۱ قانون سالانه بودجه کشور)
- توزیع عادلانه منابع بودجه تملک دارایی سرمایه استانی توسط سازمان برنامه و بودجه کشور میان استان‌های مختلف

- توزیع اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی سرمایه‌ای استانی بر اساس نیاز و ظرفیت شهرستان‌های استان توسط شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان‌ها
- اختصاص ردیف‌های بودجه‌ای در بودجه سالانه جهت حمایت از مناطق کمتر توسعه‌یافته کشور
- شناسایی مزیت‌های نسبی و رقابتی بخش‌های مختلف اقتصادی در مناطق جهت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی ارتقای تولید ناخالص داخلی مناطق در آن بخش‌ها
- استفاده از ظرفیت سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی جهت رونق و جهش تولید در کل کشور و آثار مثبت آن بر مناطق
- اعمال سیاست‌های انضباط مالی و پولی در کشور جهت کنترل تورم

#### **پیشنادهای پژوهشی آتی:**

- با توجه به اهمیت اثر نابرابری بودجه بر نابرابری درآمدهای بین مناطق، تحقیقات زیر پیشنهاد می‌گردد:
  - بررسی اثر توزیع نابرابری بودجه بین مناطق بر نابرابری درآمدهای در کوتاه‌مدت و بلندمدت با روش‌های ARDL
  - بررسی اثر توزیع نابرابری بودجه بین مناطق بر نابرابری درآمدهای بین مناطق با روش‌های غیرخطی
- #### **محدودیت‌های تحقیق**
- آنچه به‌عنوان محدودیت‌های این تحقیق مطرح است
  - عدم دسترسی به داده‌های تولید ناخالص داخلی استان‌های ایران برای سال‌های بعد از دوره مورد بررسی هست.
  - در خصوص نابرابری استان‌ها تحقیقات و مطالعات محدودی صورت گرفته است.

## منابع

- ابو نوری، اسماعیل، جوشکار، آرش (۱۳۸۶). اثر شاخص‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در ایران: مطالعه بین استانی. *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۷۷.
- پایتختی اسکویی، سید علی و طبقچی اکبری، لاله (۱۳۹۴). برآورد بردار هم انباشتگی اقتصاد خاکستری و توسعه انسانی با روش حداقل مربعات پویای پانلی. *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادسنجی*، سال اول، ۳: ۱۲۵-۱۴۲.
- جمالی، فیروز، قنبری، ابوالفضل و پور محمد، محمدرضا (۱۳۸۹). نگرشی بر مفهوم نابرابری و مفاهیم مرتبط با آن در مطالعات اجتماعی اقتصادی. *مجله برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، دوره ۱۴، ش ۲: ۱۴۱-۱۲۱.
- خالو باقری، مهدیه (۱۳۹۱). رویارویی با نابرابری فضایی ضمن به‌کارگیری برنامه‌ریزی مبتنی بر ارتقای کیفیت زندگی (مورد مطالعه: منطقه ۱۳ شهر تهران). *فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری*، شماره ۱: ۶۷-۴۹.
- خواستی، حجت ایزد (۱۳۹۸). بررسی نابرابری در تخصیص اعتبارات بودجه استانی و تأثیر آن بر نابرابری درآمدهای منطقه‌ای در ایران. *فصلنامه علمی پژوهشنامه اقتصادی*، شماره ۷۵: ۷۰-۳۹.
- سوری، علی (۱۳۹۲). *اقتصادسنجی* (جلد ۲). تهران: انتشارات فرهنگ شناسی.
- عرب مازار، عباس، رحمانی فضلی، هادی (۱۳۹۵). تخصیص بهینه استانی بودجه: رویکرد مدل برنامه‌ریزی آرمانی. *فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد*، شماره ۳: ۱۵۲-۱۳۳.
- غفاری فرد، محمد (۱۳۹۷). بررسی روند سیاست‌گذاری توسعه و توازن منطقه‌ای طی برنامه‌های توسعه در ایران و ارائه راهبردهای اساسی. *فصلنامه علمی مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، دوره ۹، ۳۰.
- غفاری فرد، محمد، شجاعی، محمدرضا (۱۳۹۹). بررسی آثار اقتصادی نحوه تخصیص بودجه به استان‌های کشور بر اساس نیاز و ظرفیت آن‌ها (رویکرد پانل دیتا). *نشریه علمی پژوهش‌های راهبردی بودجه و مالی*، ش ۳: ۱۴۸-۱۰۹.
- غفاری فرد، محمد، ملکی نصر، هاشم (۱۴۰۰). *بررسی آثار توزیعی اعتبارات ناشی از درآمد حاصل از صادرات نفت در استان‌های مختلف ایران. نشریه علمی پژوهش‌های راهبردی بودجه و مالی*، ش ۱: ۱۱۲-۸۳.
- کلاتری، خلیل (۱۳۸۰). *برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای*، تهران: انتشارات خوشبین.
- مهدوی، ابوالقاسم، طاهری هنجی، مرضیه و شمس الاحرار، فاطمه (۱۳۹۶). تأثیر آزادسازی تجاری بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب حوزه خاورمیانه (با تأکید بر مدل‌های رشد درون‌زا). *فصلنامه اقتصاد کاربردی*، دوره ۷، شماره ۲۰.
- مهرگان، نادر و زمانی شبخانه، صابر (۱۳۹۲). بررسی اثر شهرنشینی بر توزیع درآمد در ایران با تأکید بر نظریه کوزنتس. *فصلنامه علمی پژوهشی برنامه‌ریزی و بودجه*، ۳.

- Bayar, Yilmaz, Aytemiz, Levent. (2019). The Misery Index, Corruption and Income Inequality in Latin American Countries: A Panel Cointegration and Causality Analysis. *Scientific Annals of Economics and Business* vol (66), no(3), 309-319.
- Engle, R.F. C. W. J. Granger (1987). Cointegration and Error Correction; Representation, Estimation. and Testing, *Econometrica* , 55; 251-276.
- Gallet, C. A. and R. M. GALLET (2004). ‘‘ U.S. Growth and income inequality; The importance of the initial Rate of inflation, Employment Paper.
- Granger, C. W. J. and P. Newbold (1974). Spurious regressions in Econometrics. *Journal of Econometrics*, 2; 111-120.
- Kao, C. and M. H. Chiang (2000). On the estimation and inference of a Cointegrated regression in panel data. *Advances in Econometrics*, 15; 179-222.
- Kim, S (2008). Spatial Inequality and Economic Development; Theories, facts, and policies. *Commission on Growth and Development*, 1 No 16.
- Kuznets, S (2018). ‘‘ Economic Growth and income inequality ‘‘. *American Economic Review*, 45, pp. 128.
- Persson, T. and Tabellini, G (2004). ‘‘ Is Inequality Harmful for Growth? Theory and Evidence’’. *American Economic Review*, 84, pp.600621.
- Steward, K (2002). *Measuring well-being and exclusion in Europe’s regions*. London; Centre for Analysis of social Exclusion. London; London School fo Economics and political Science.
- Williamson, JG (1965). ‘‘ Regional Inequality and the process of Economic Development’’. *Economic Development and Cultural Change*. 13(4), pp. 184.
- Yang, Y., Greaney, T. M. (2017). ‘‘Economic Growth and Income Inequality in the Asia Pacific Region: A Comparative Study of China, Japan, South Korea, and the United States’’. *Journal of Asian Economics*, 48, p p.622.